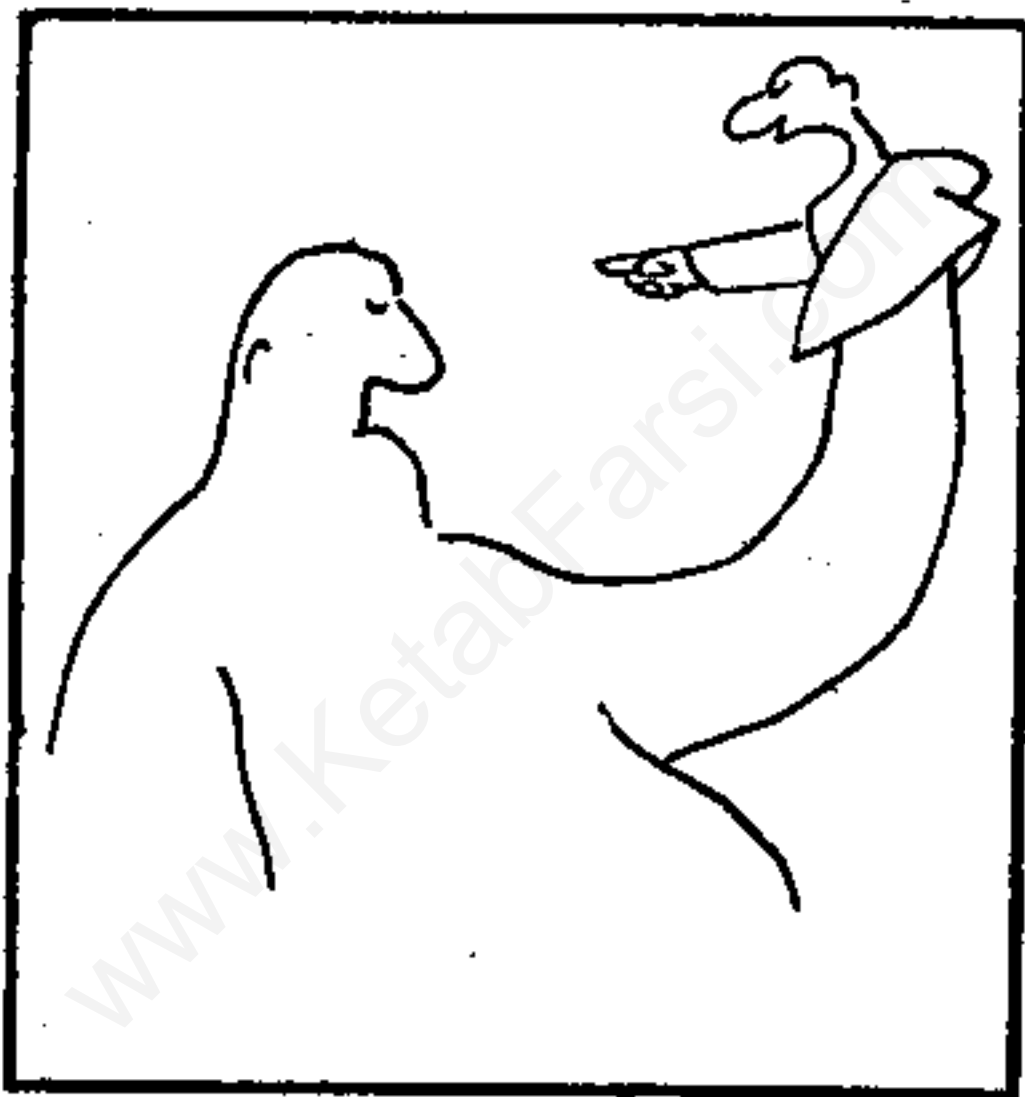
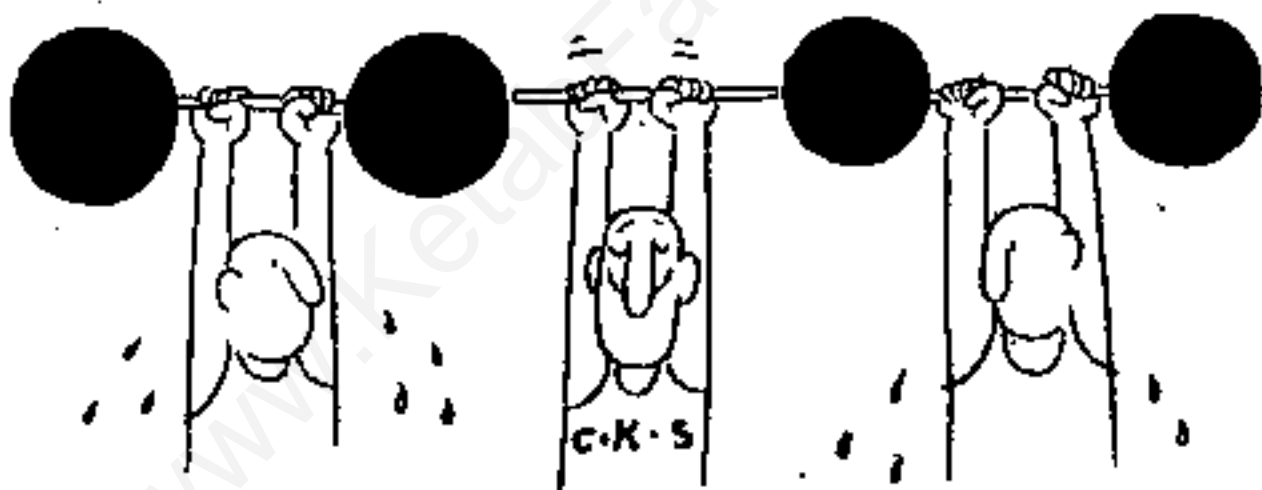


زمزمه‌ای
در



طرح‌های کوتاه

زمزمه‌ای
در
طرح‌های کوتاه



C.K.S.
P.O.Box 8637
Austin, Tx, 78713-8637
U.S.A.

www.KetabFarsi.com

کار یک‌طور است که بر تازی در قالب شرح و تصویر است. طنزی است آیدار که دوگانگی‌ها و تضادهای را نشان می‌دهد و با برخوردی انتقادی زیر آب همه تا حدنگونی‌ها و فاساد. کاری‌های قضایا را می‌زند و با شیفتگی و فیتخندی زهر آگین به لریش تمامی آنها می‌خورد.

بر خوردی که از طنز تصویری « با مسائل دوری بر مسان دارد، بر هیئات همتان عصر کتی است که طنز در سایر زمینه‌ها دارد. برخوردی است انتقادی و کنجکاوانه که با دیدی تیز رازش شده و بد قتی آغاز می‌کند. با رفتی پندگی تمام قضایا را می‌زند پشت و روی‌شان را یکی می‌کند تا همه زوایا و جنبه‌های آن را ببینند و به آن‌ها را لغت بر پنی به کوچ و باز آن‌ها می‌فرستد تا خود گویس رسوایی‌شان را در همه جفا بگویند.

با روی‌تری چنین، دستمایه «طنز تصویری» (و طنز بطلور کتی) تضادها و دوگانگی قضایاست. ناجوری و ناخاطبی‌هاست. تضادهایی که در کل آن ناخوشایند و ناراست می‌نمایند.

با علم کردن و پر رنگ کردن این تضادهاست که ماهیتها روشن‌تر می‌شود. چهره‌ها نمایان‌تر و زوایا و کسریاها یکی‌تر می‌شوند. و این در کنار هم به چشم می‌آیند. با این عمل، طنز پرداز، به بیننده دو امکان می‌دهد. یکی دیدار ملموس و پنی شبیه پندگی قضایا و احساس و ادراک آن و دیگری شناخت بی‌شائبه و روانی تضادهای آن، که در نتیجه به نگاه بیننده سمت و سو داده شده و قابلوی دانشمالی برای توجه به تضادهای حاد قضایا می‌شود.

کاربرکا تواریست این همه را در کارش با دو شیوه به بازی می گیرد. یکی اینکه قضایا را در گزل خود شناسایی کرده و پس از تقمیش آن برایشان بزرگی هسویت صادر می کند. از تضادهای موجود در آن ها استفاده (شاید هم سوء استفاده!) کرده و مهری می پردازد و بر پیشانی اش می گوید که نشان می دهد آن قضیه بنده و غلام چه ناراستی هاست. دیگر آن که این ناجوری ها و تضادها را در زمینه طرح و تصویر هم بسط و گسترش می دهد. بد قلفی اش را با خط و زوایا شروع کرده و غلو و اعراق را در آن زمینه پیش می گیرد.

به این ترتیب طنزپرداز در اولین وهله ی کار خود انگشت بر روی واقعیات و باورهای ناشی از آن می گذارد. از آنجا که هر واقعیت در شکل و شمایل خویش بوجود آورنده ی باورها و اعتقاداتی همسان و همخوان با اصل خود می باشد، طنزپرداز به حیطه باورها بنا می گذارد. بخصوص که این باورها در طول گذشته ی خود شکل گرفته و بوجود آمده اند و در حال رشدند... که او می تواند با برخورد عملی تر با این باورها در شکل گیری و تکاملش قدمی بزرگ بردارد و در خط سیرش رشدش را سریعتر و سازمان یافته تر سازد.

مثلا اگر در طول حماسه آفرینی های دوران اخیر میهن مان اثر دست خون آلود روی دیوار تداعی کننده و یادآور شهید و شهادت بود، او با تکمیل این باور در حیطه ی طرح و تصویر بگونه ای علقها و عملکردهایش را نمایان تر می سازد.....

طنزپرداز با نشانه گیری تضادها، از سویی دیگر به ذهن و عمل خود جهت و سمت می بخشد و با تاکید و تصویر آنها به زبانی می گوید که کدام تضادها در معن قضایا بالنده است به کدام باید روی کرد و کدام را باید گویند.... به این ترتیب نقش و موضع اش را در قضایا مشخص می سازد، که از جهتی

مهمترین ویژگی اوست. و این، اهمیت طنزپردازی و خلاقیت در این زمینه را می‌نماید که خود ارزش‌گذار کار او می‌باشد. زیرا که او در طرز عمل خود نقش افشاگرانه باید داشته باشد و جهت تکمیلی قضایا را پی گیرد.

در کاریکاتور این همه بسته به شیوه و شوگردی است که از آن بهره گرفته می‌شود. در تصویر طنز، کاریکاتوریت از همان آغاز بیننده را با قضایا مواجه می‌کند و در میانه‌ی نمود با اغراقی که در نمایاندن تضادها دارد، دید بیننده را منبج می‌سازد و تیغ را بدست او می‌دهد تا خود بر قلب کزلی‌ها فرود آورد.

با این شیوه واقع نمایانه عوامل میرنده از همان آغاز معلوم و محکوم و مضروب‌باند، چرا که عاقبت‌شان نشان داده شده است و پنبه‌شان بکلی زده.

بدین گونه، مهم‌ترین کاربرد طنز، ضربه‌پذیر ساختن ناجوری‌های قلدر از بین رونده است، که در شرایط خود دارای قدرتی بالاتر و کاری‌تر از قداره و ژ-۳ می‌باشد. این خصیصه (ضربه‌پذیر نشان دادن قدرت‌های میرنده) است که طنز را دلنشین ساخته و ضعف و شادی بیننده را فراهم می‌سازد. و این همان لذت ناشی از دریافت واقعیت‌هاست که با تلخی خود، طبیعت و شادی بیننده را بوجود می‌آورد. این خنده را زهری‌ست چمان که بالاخره بقیه عامل خرد کردن رو به افول را گرفته و پشت‌اش را به خاک خواهد رساند. از سوئی بوجود آورنده‌ی انرژی و نیروی است که همگان را در حل تضادها یاری می‌رساند تا آن مضحکه را خارج از چارچوب طرح و تصویر به تماشا بنشینند.

از: «عبور موقت»

هنر با تکیه بر تالیفات فزعی متنوع می‌تواند لغویان امر از تحول اجتماعی بجا
گرفته شود. عبارتی در مورد بسته تاریخ کارهای لغویان همگی ترکیبی از
تکلیف داده و از تالیف فزعی تابع و نشانه از به خودی بیان تناسب
اجتماعی مورد تأسیس هستند. بعد از تکلیف عده‌ای اهمیت بیشتر
کسب نکرده است.

هدف ما از این کتاب:

۱- تقاضای دروغی کارهای به عبارتی از اشکال بیان ترکیبی تناسب
اجتماعی و طرازی مورف و خلاق کسب همان و فزعی و در آلود و اهریانه
در خدمت تقدیر عیان است و همان گرفته اند.

۲- جمع آوری کتب مالی برای خرید دارم و نیز فقه‌های دارم و ارسال
آن به حسب کراستان، عایشه نیویکی مبارز به شیده ای در هر روز مایه

مناسبات پوشیده و فند مردی می رزفند . مجریه اخیر جاری است نجس مبارک
در نجس اول به طرهای کافیه و سعید دم نجس اغصا من دارد .

نجس مستم نیز کز نسبی قنوع از ساحتی طراجان دیگر جهان
مقتدره مانن است که آئنده نیز با پیگیری در این راه مجریه ای دیگر از فرمای
غوب و جالب را عرضه کنم .

حرکت افتاد و پیدنا و جالب ساج تراند با یکی دهنده در راه گشایی برای
بهر نمونک دفتر دوم این مجریه باشد .

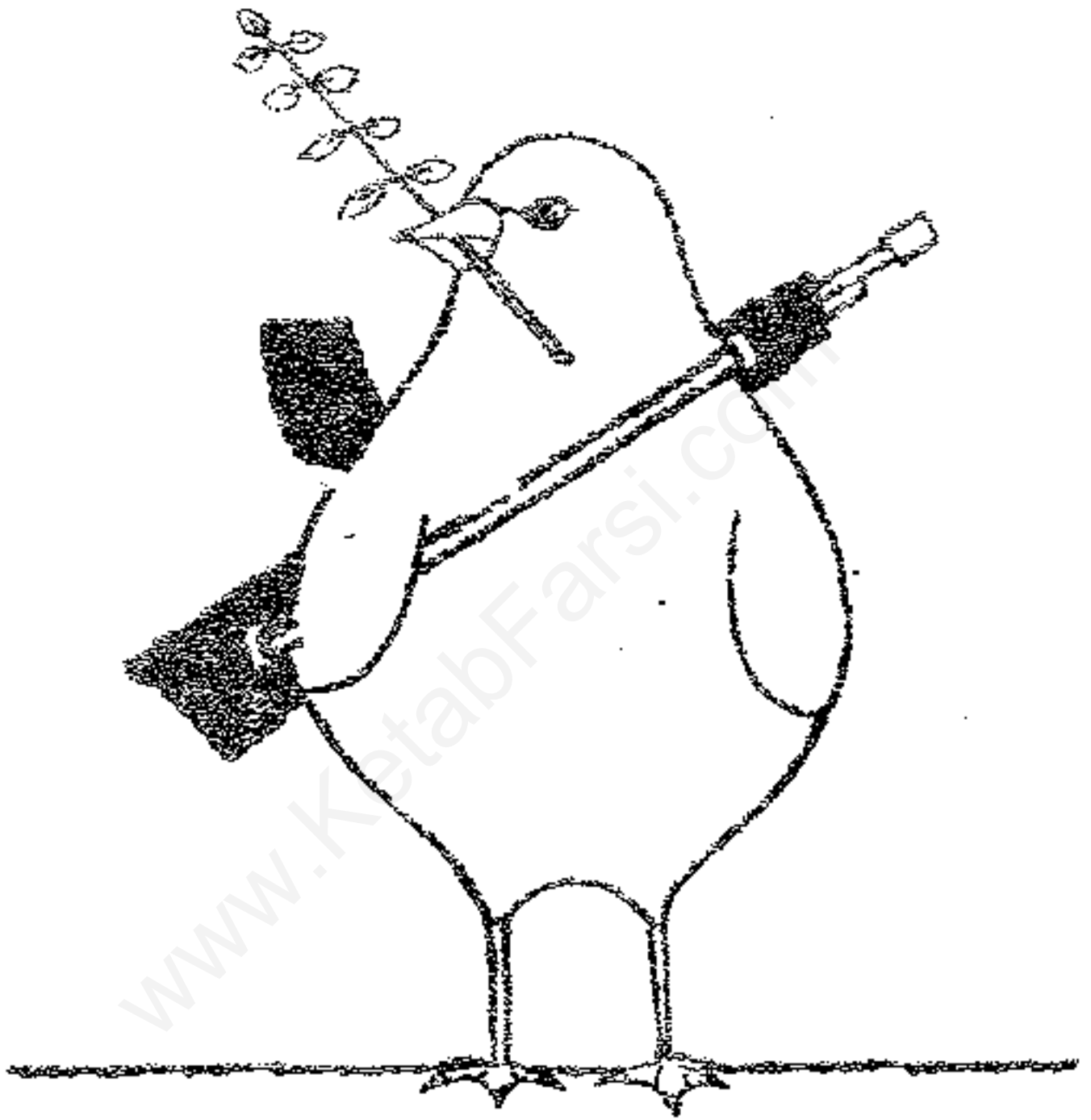
با دود دکی فراران :

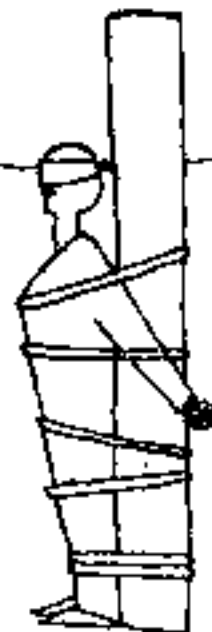
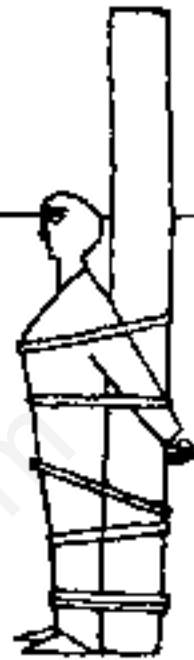
کسبه دفاع از کردستان (واحد آستین)

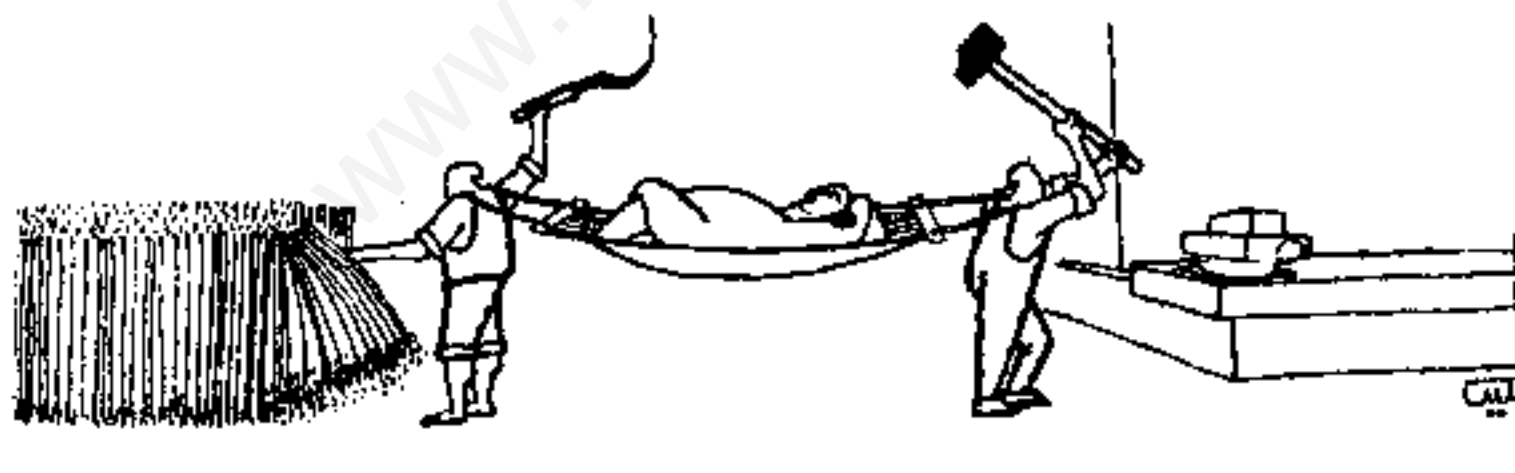
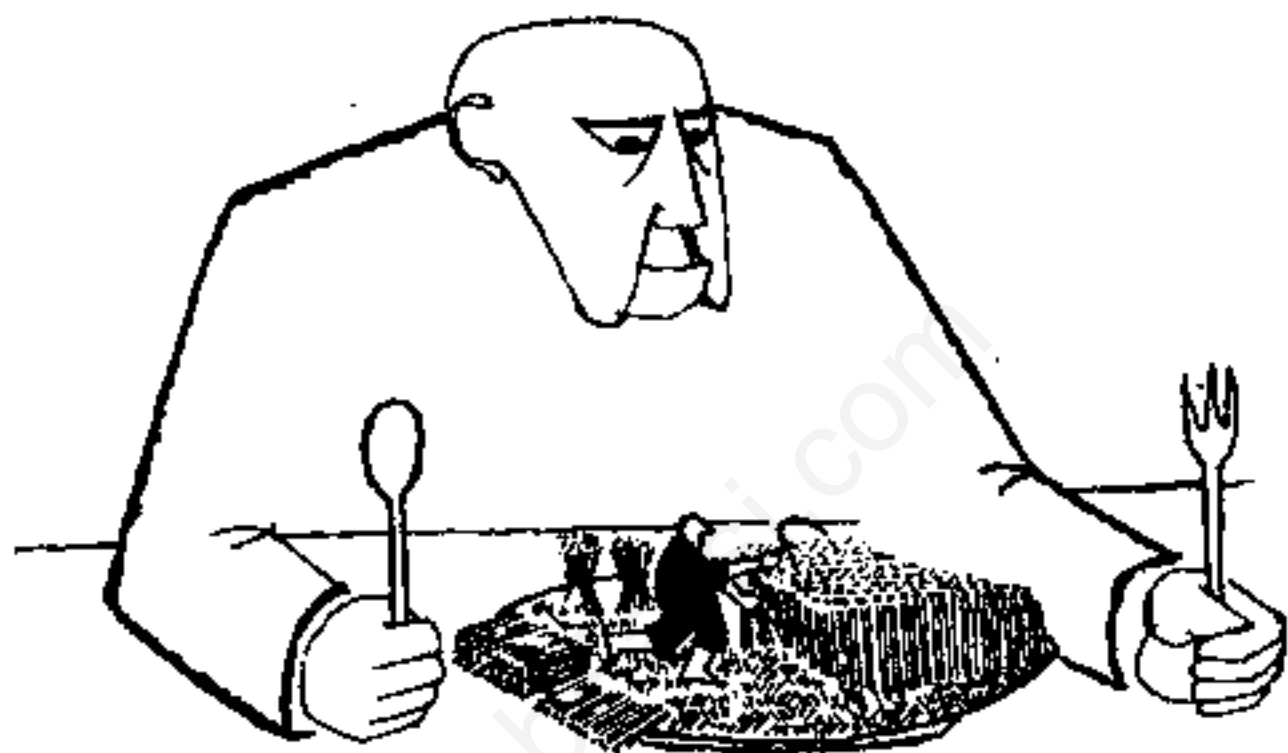
از

کارینکاتورهای

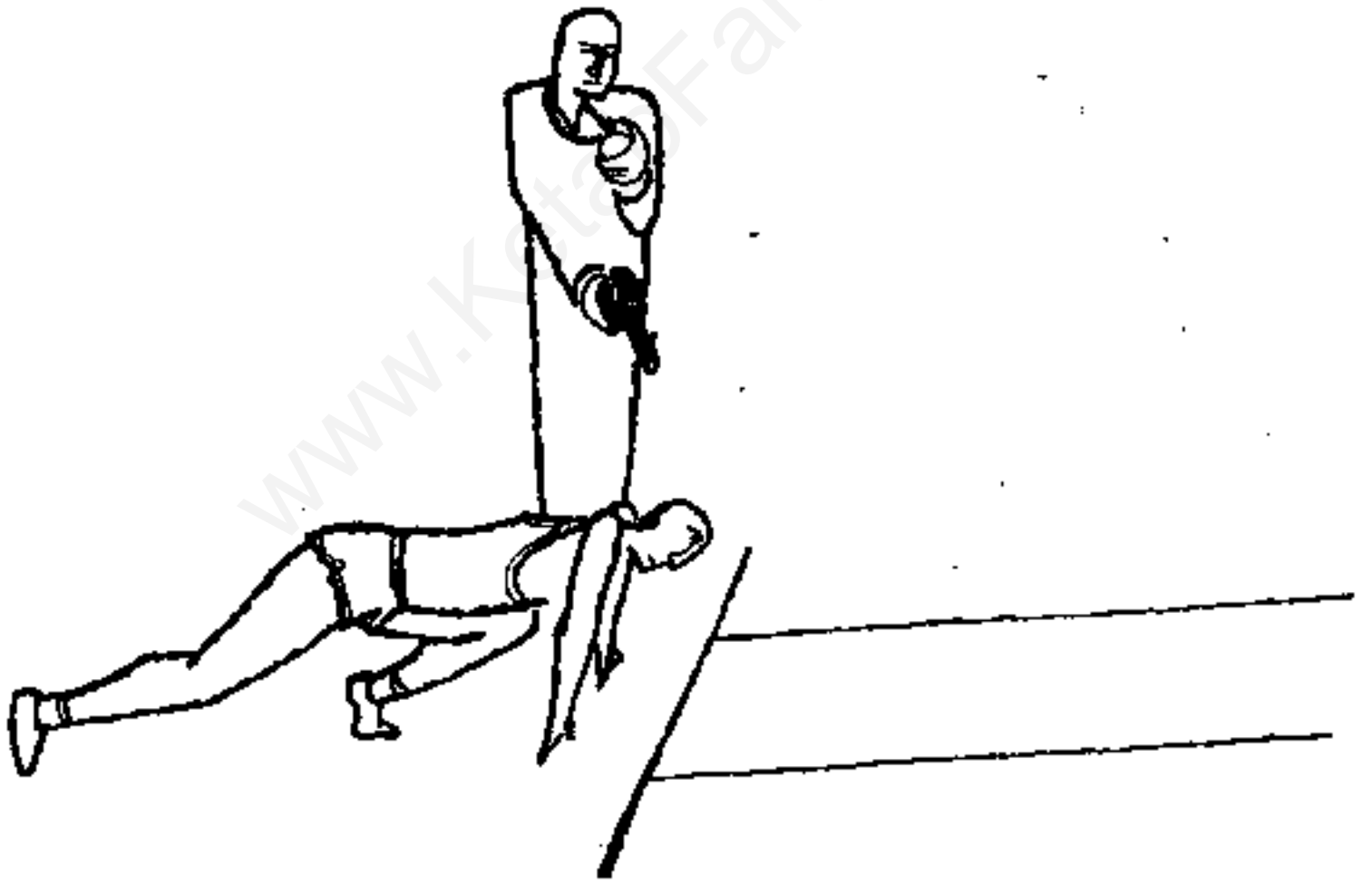
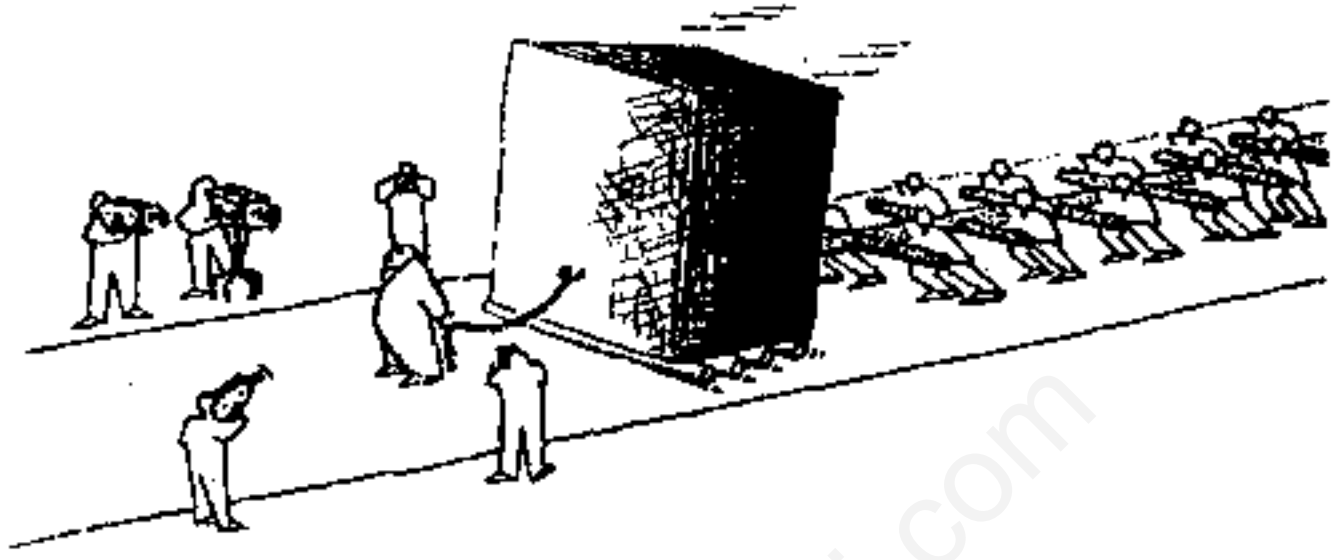
سعید درم پنخس

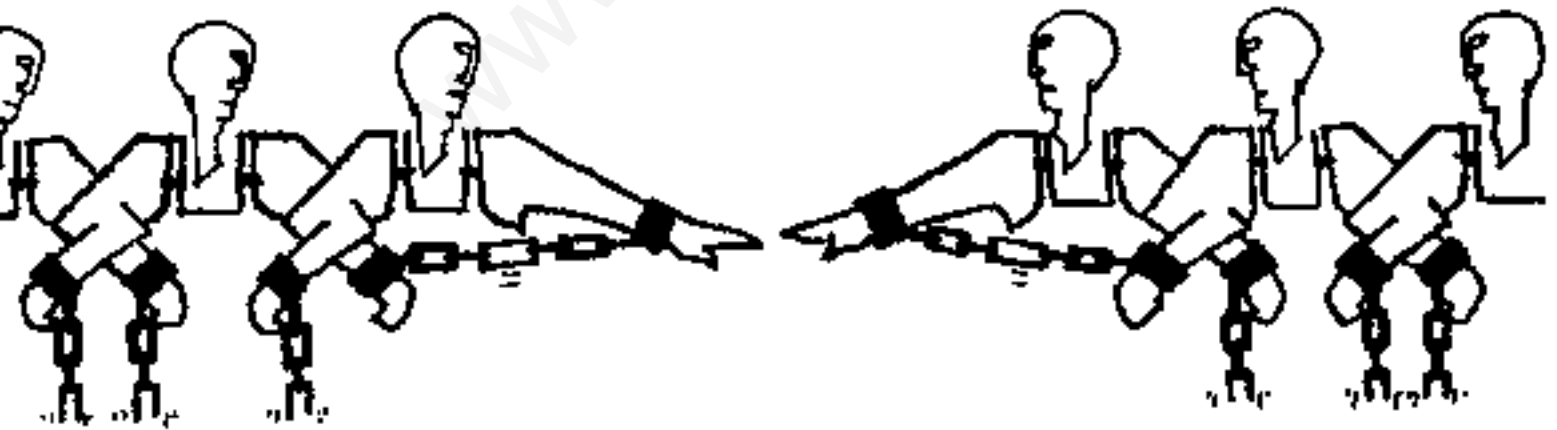
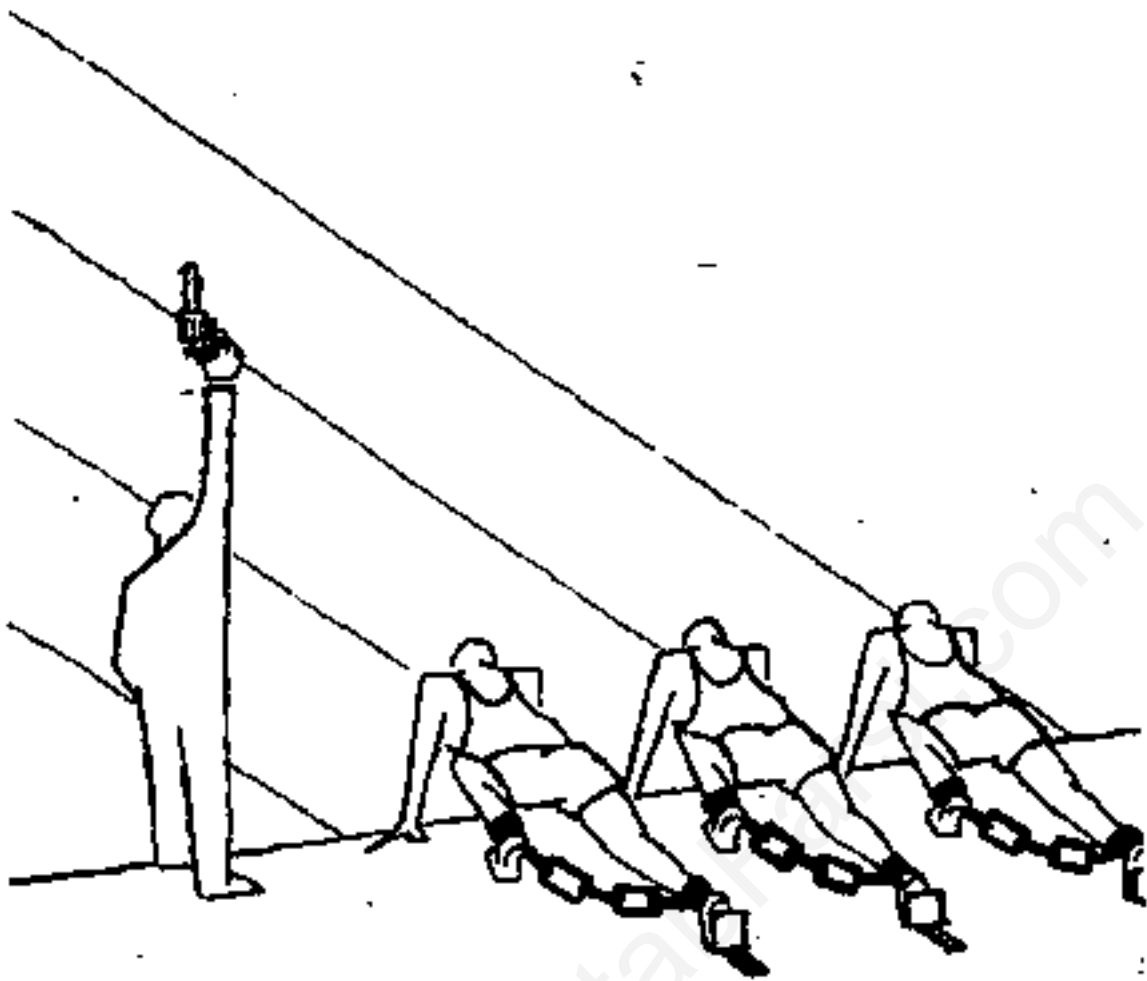


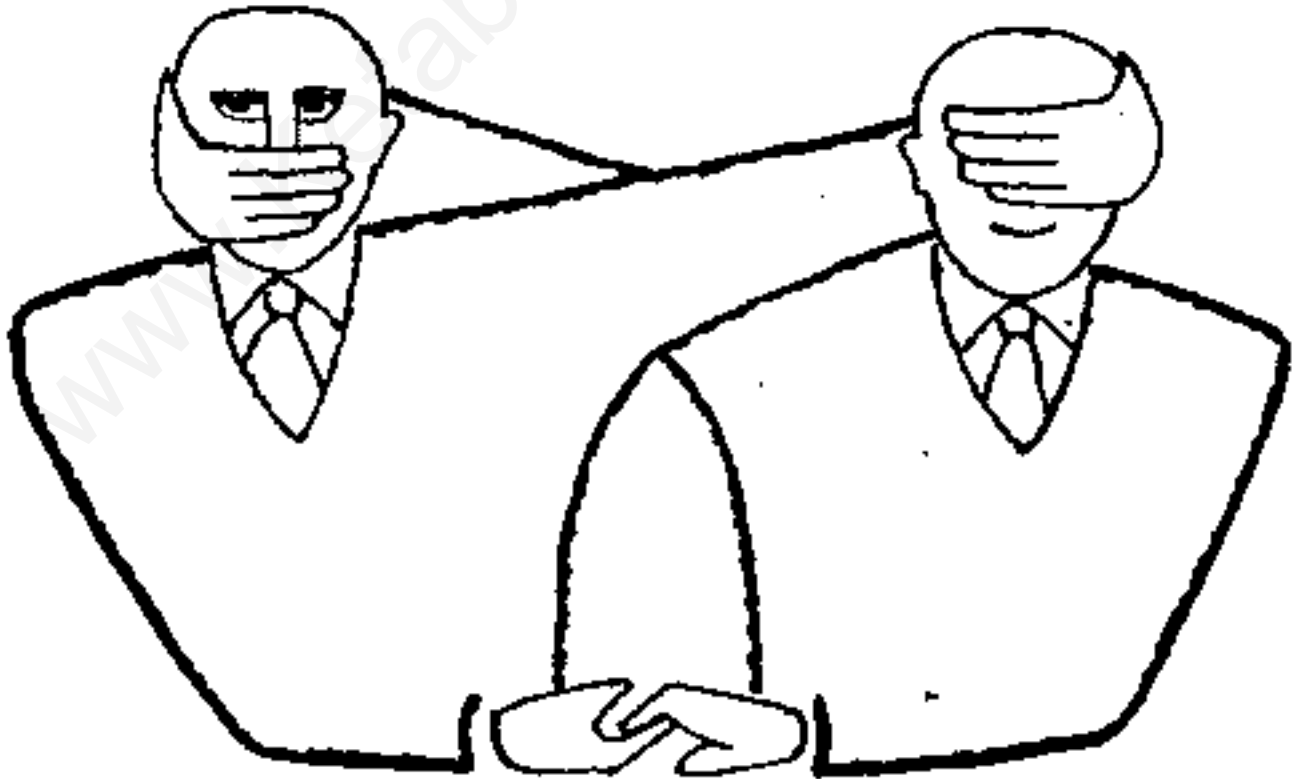
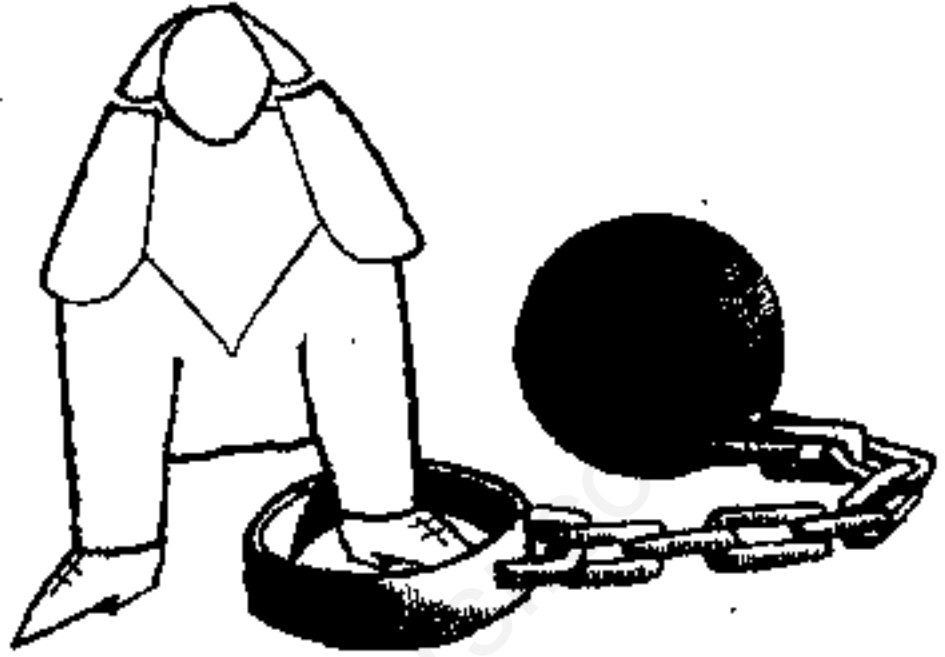


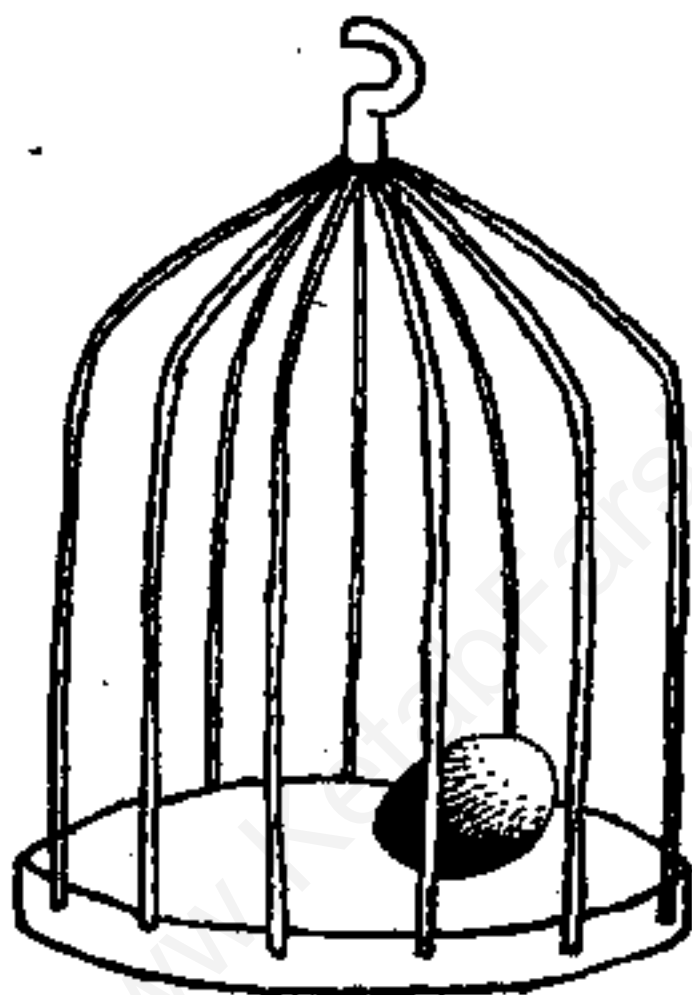


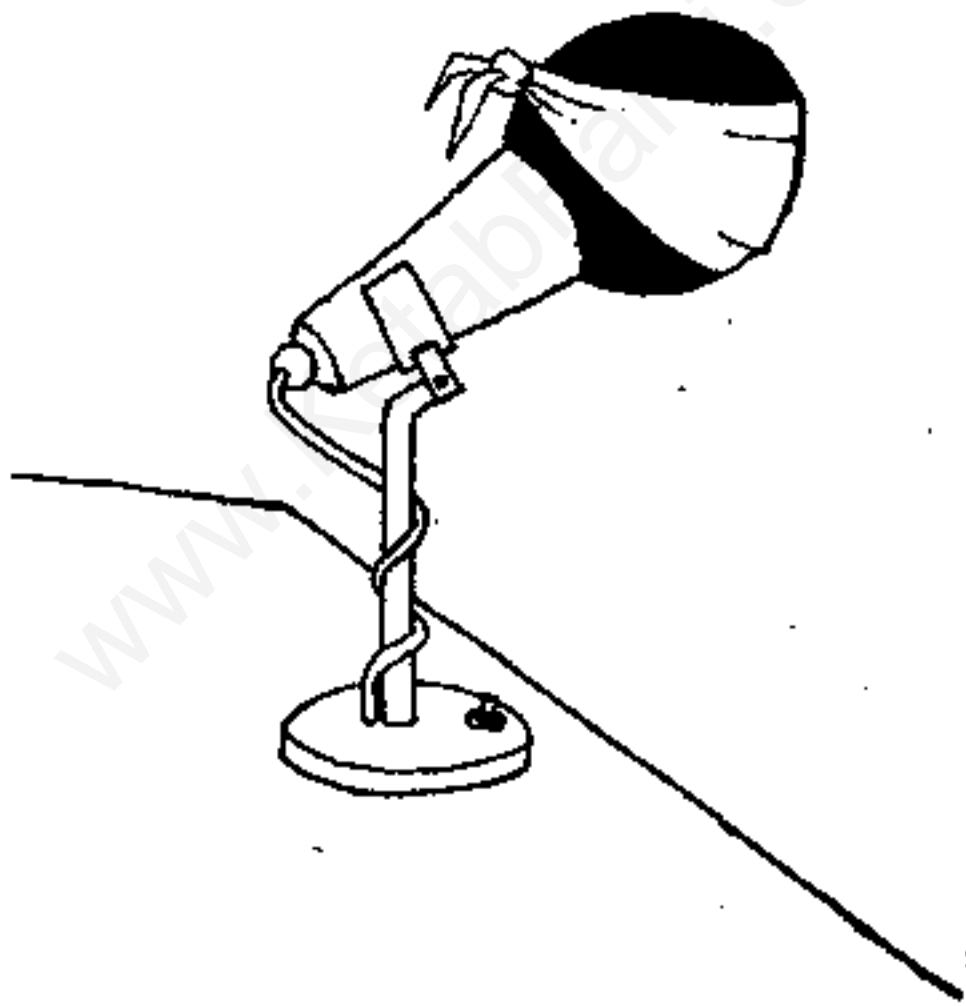


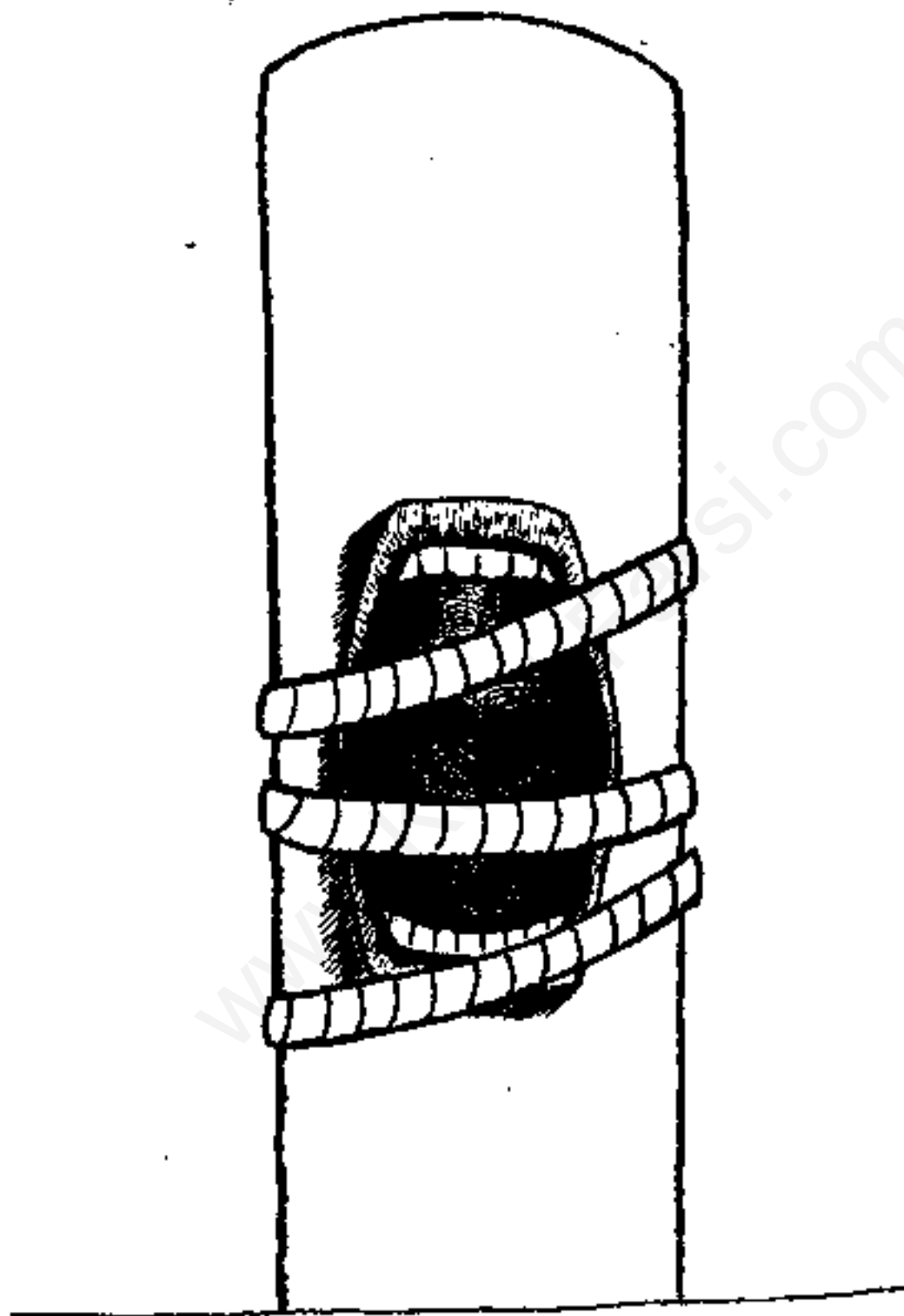


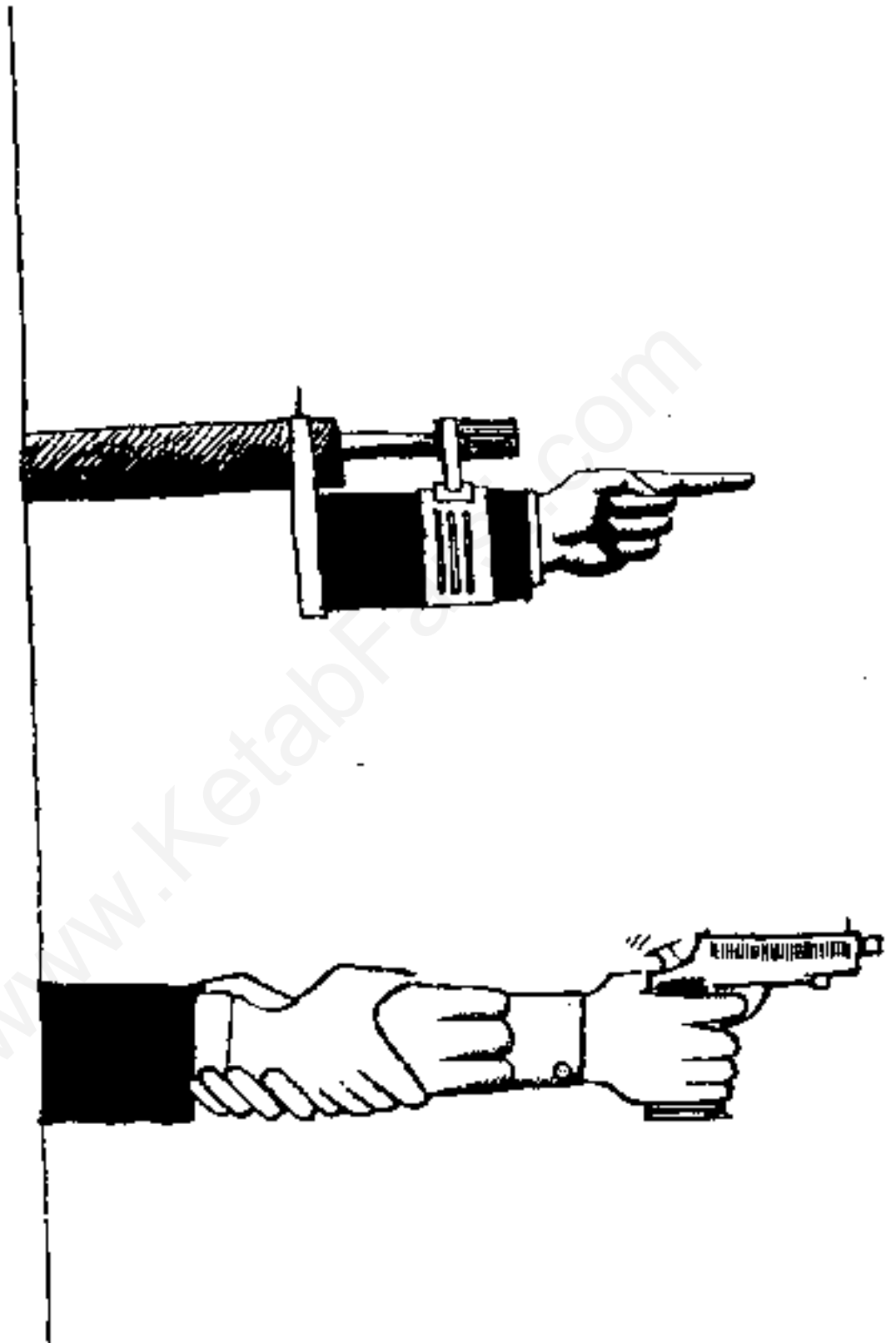


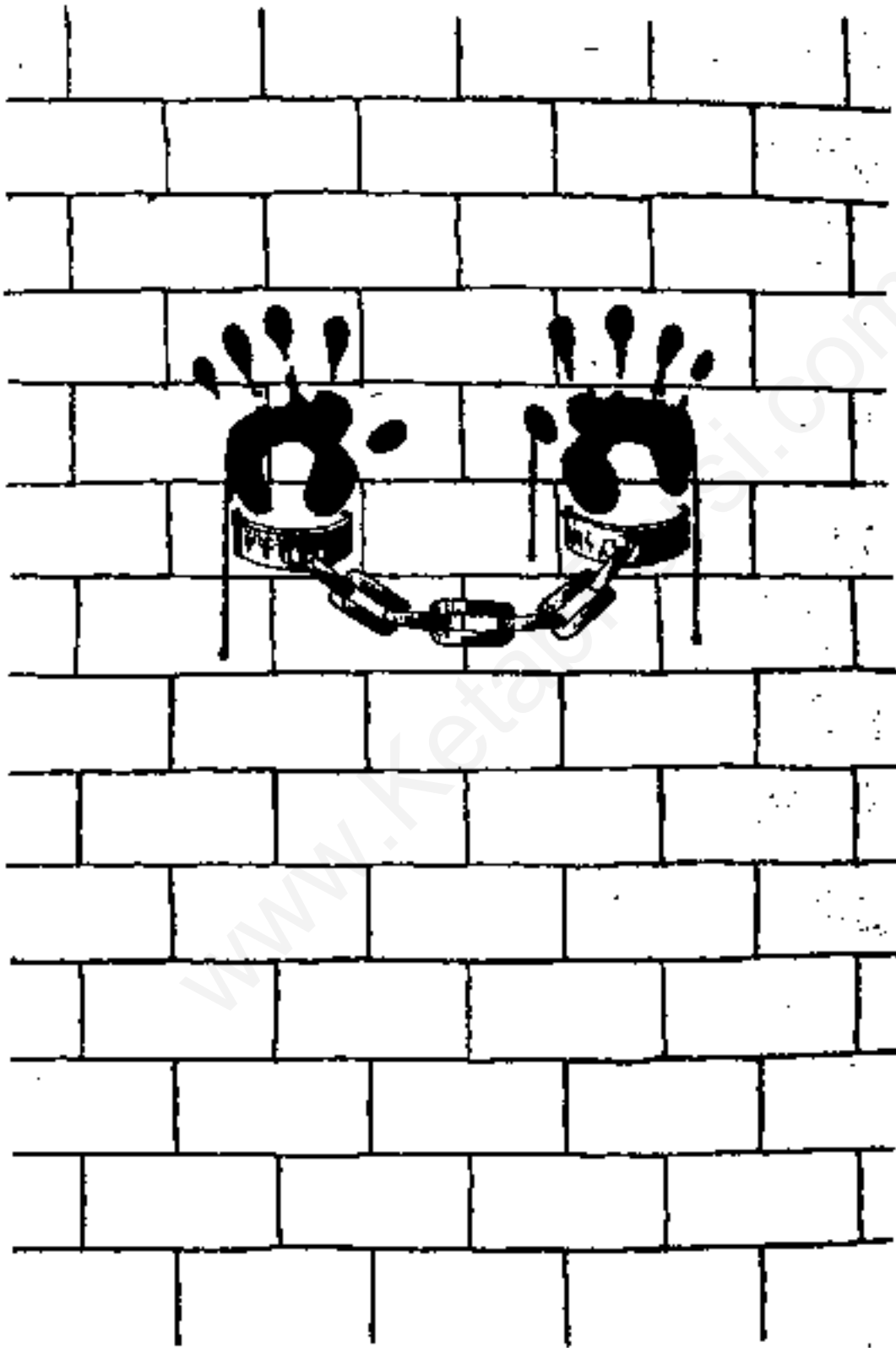


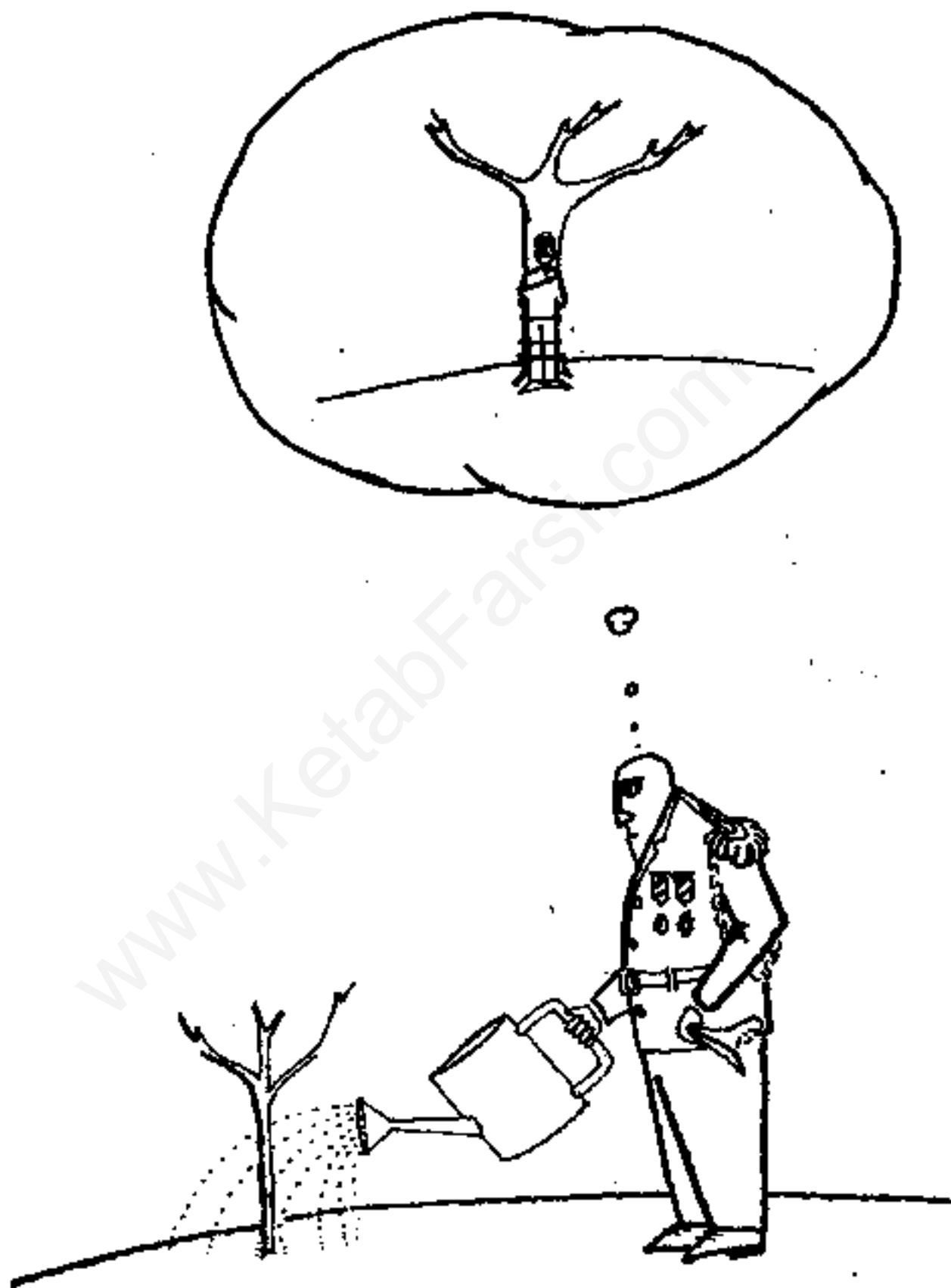


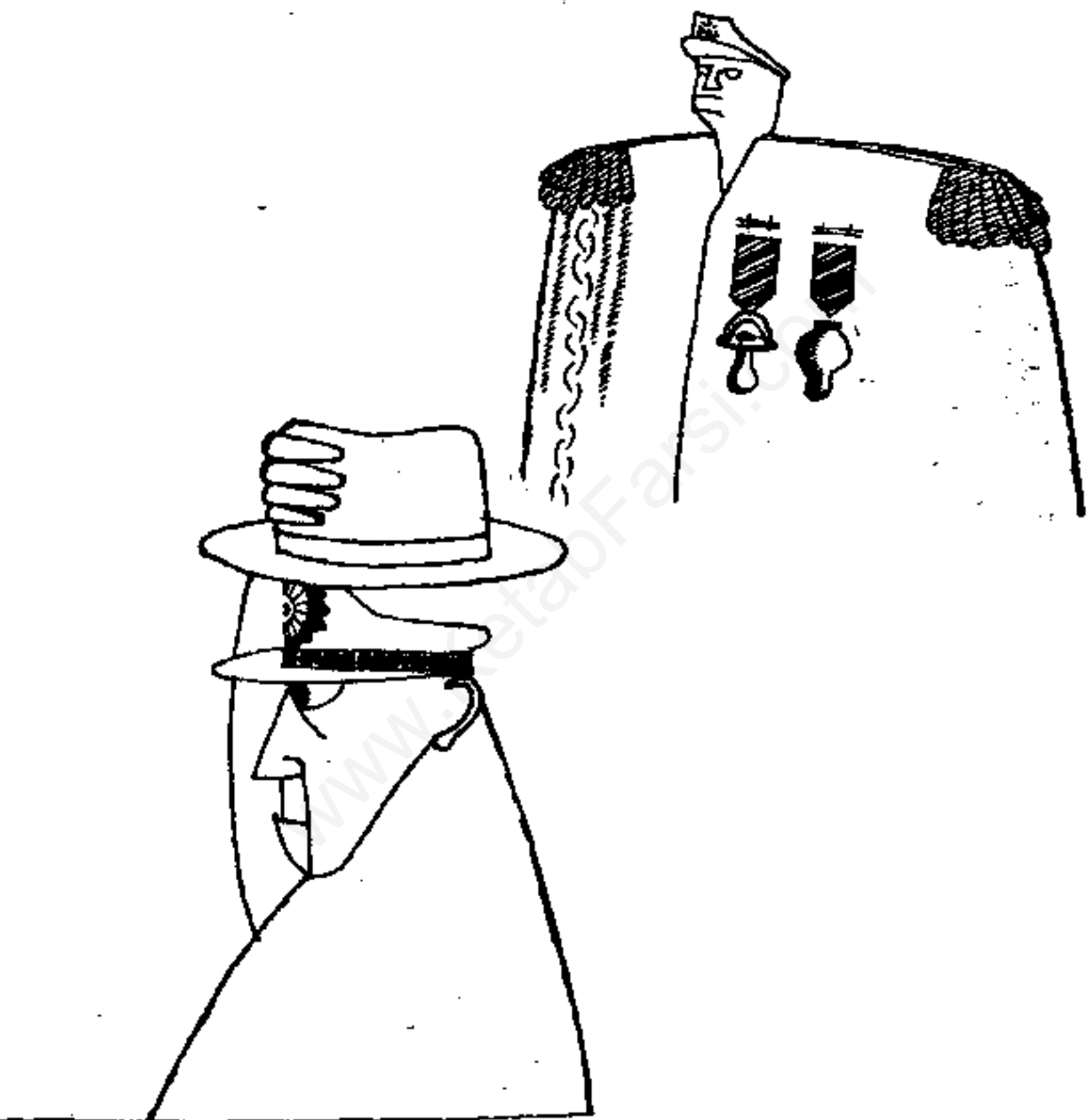


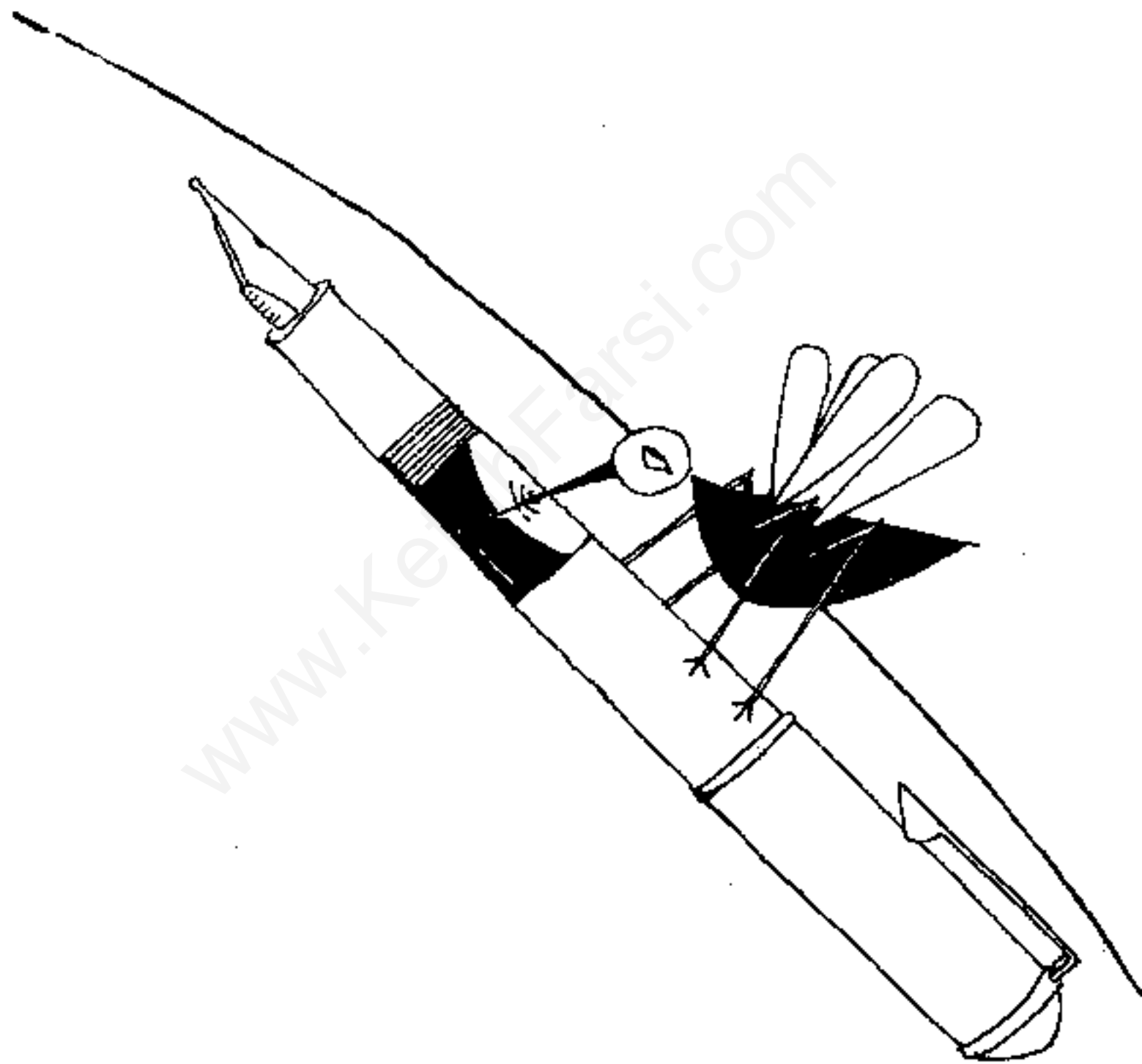




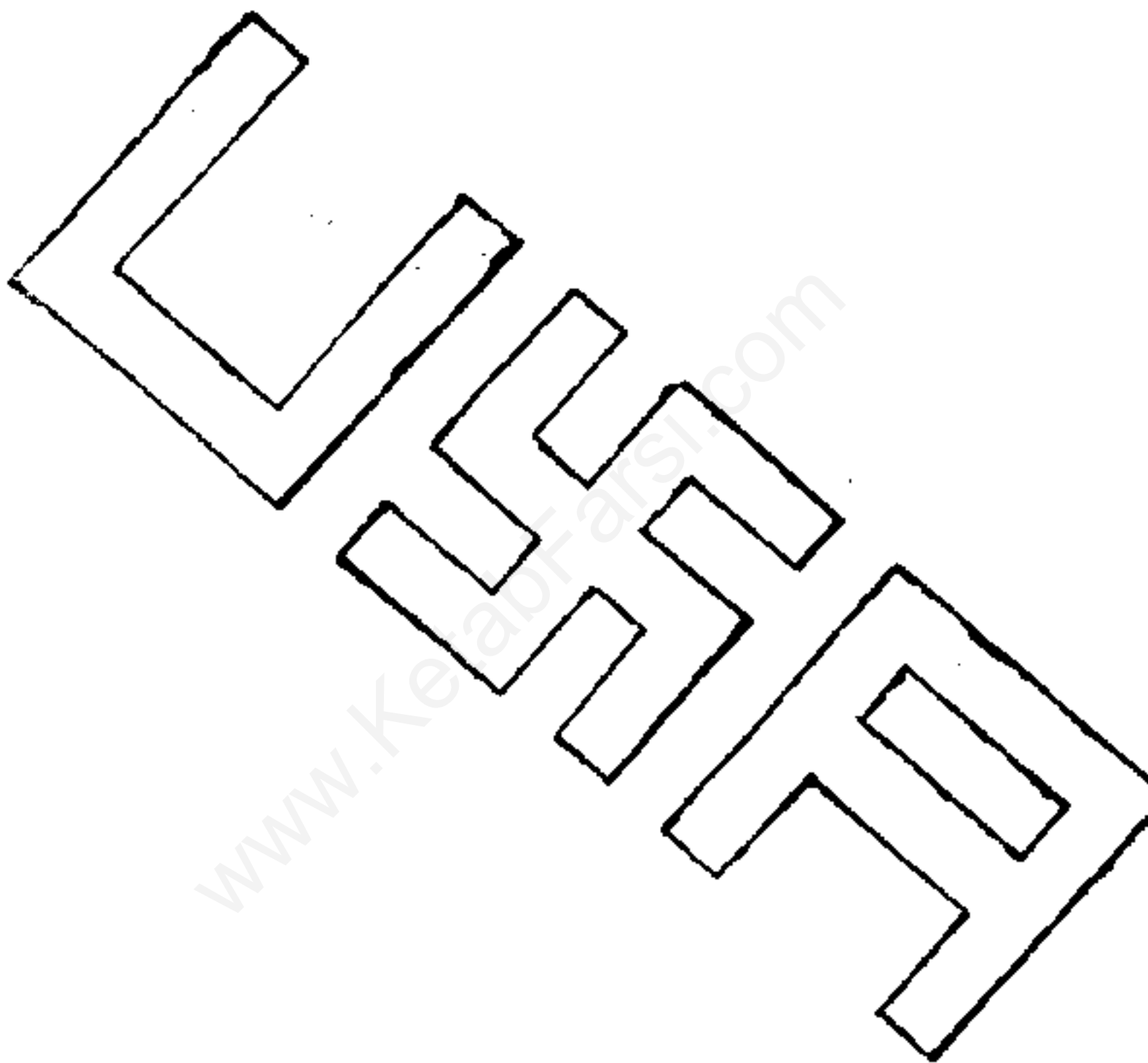


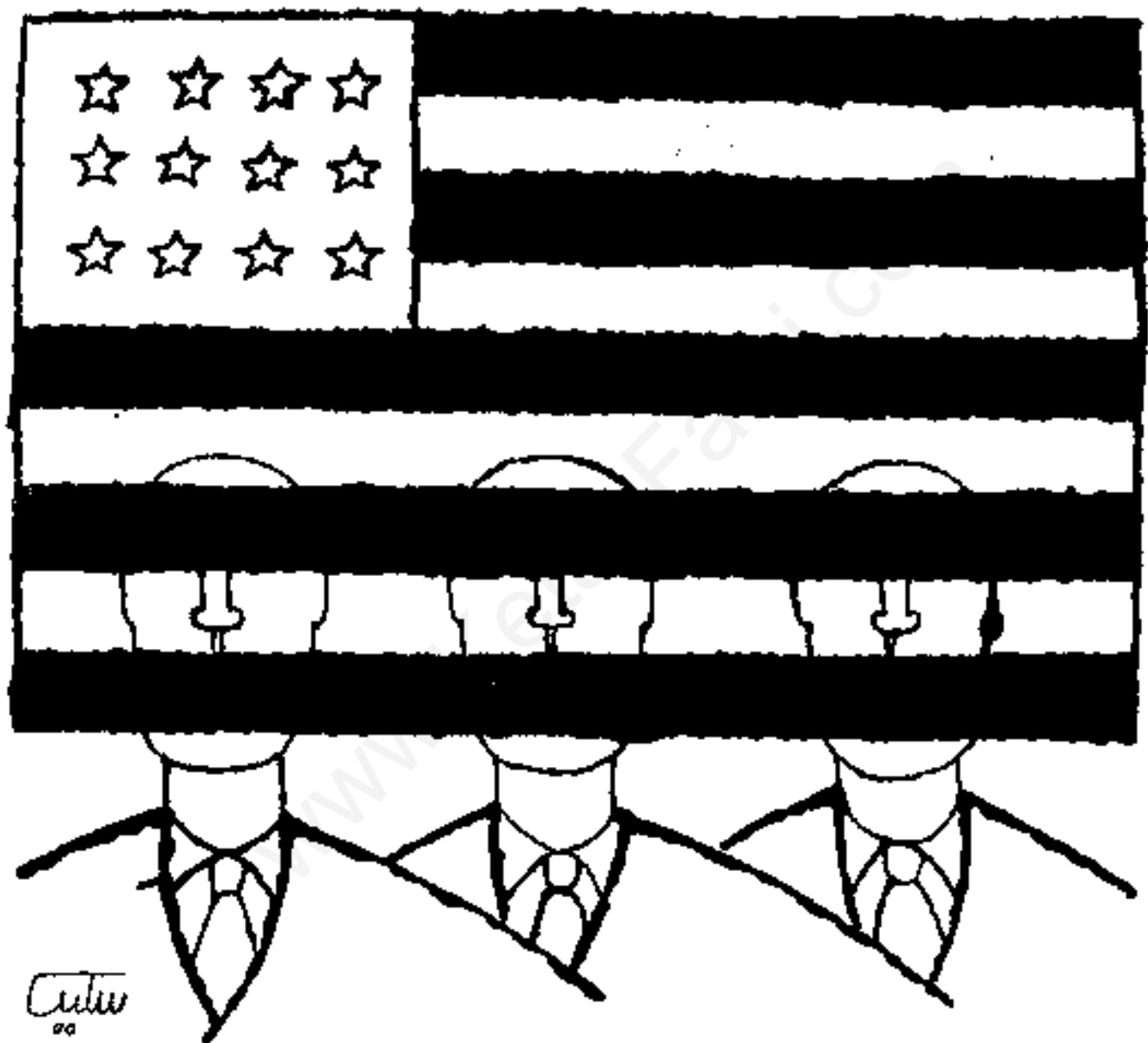


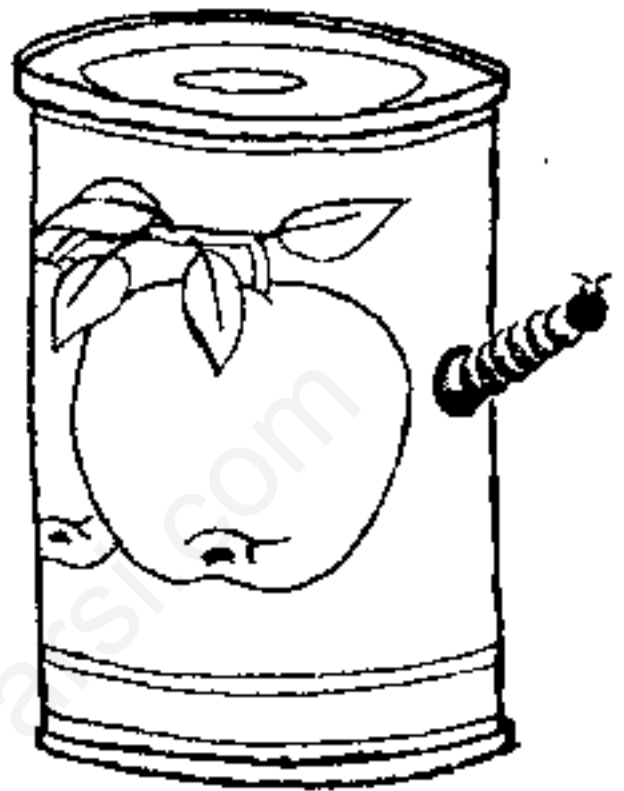
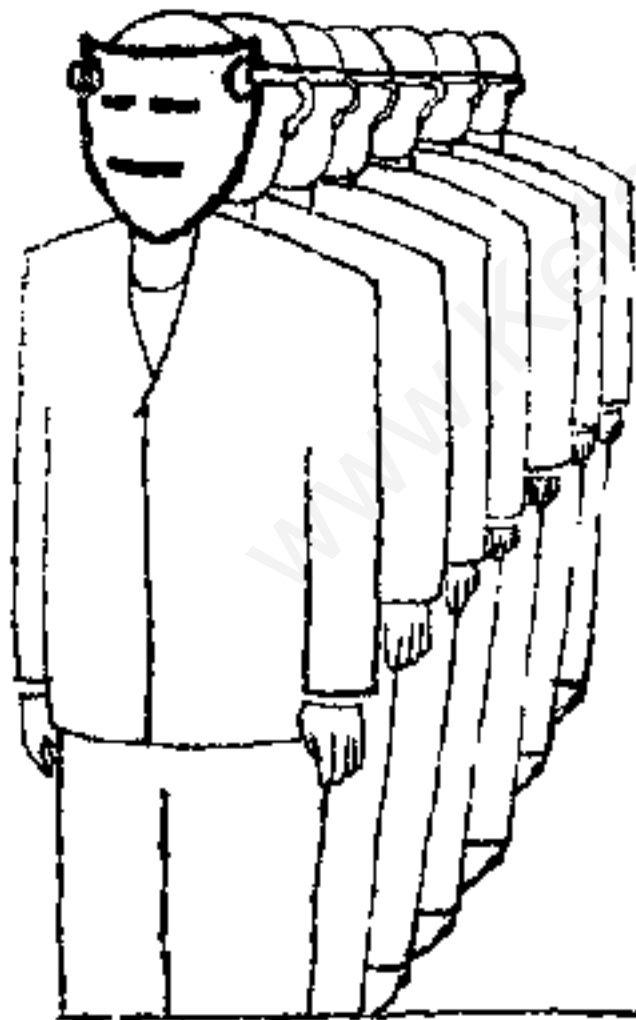


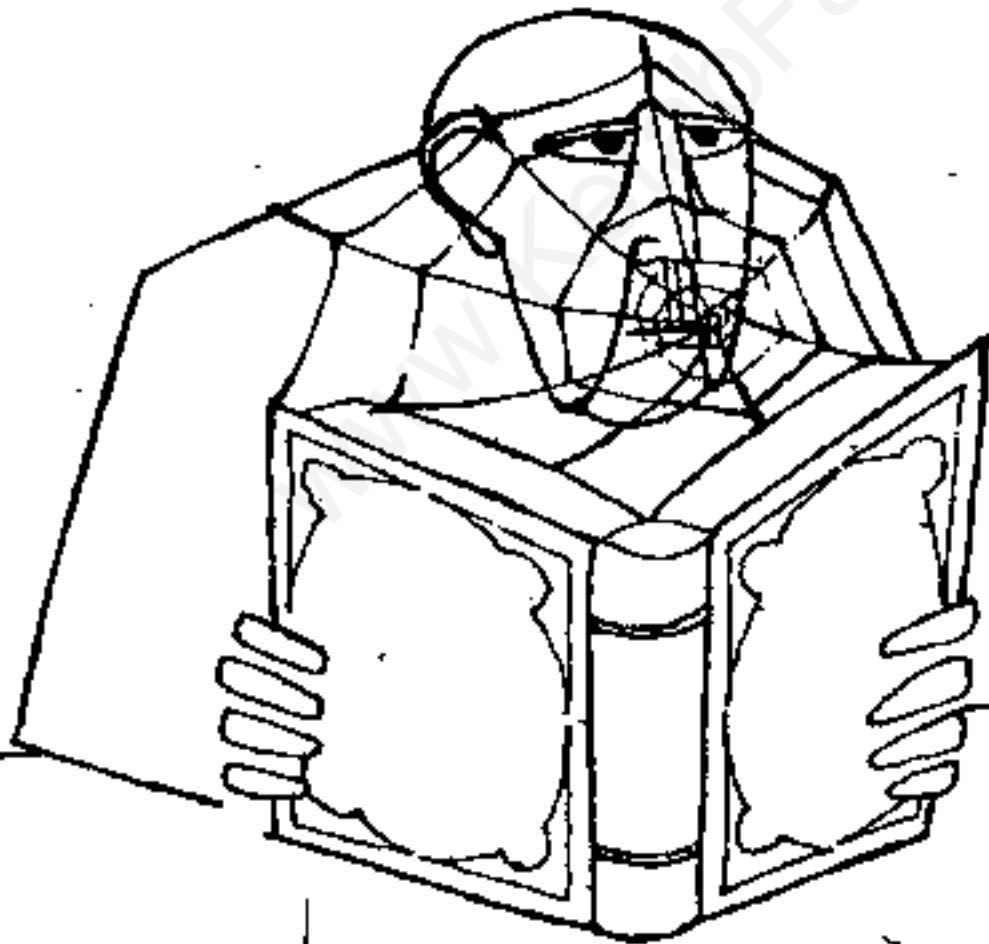
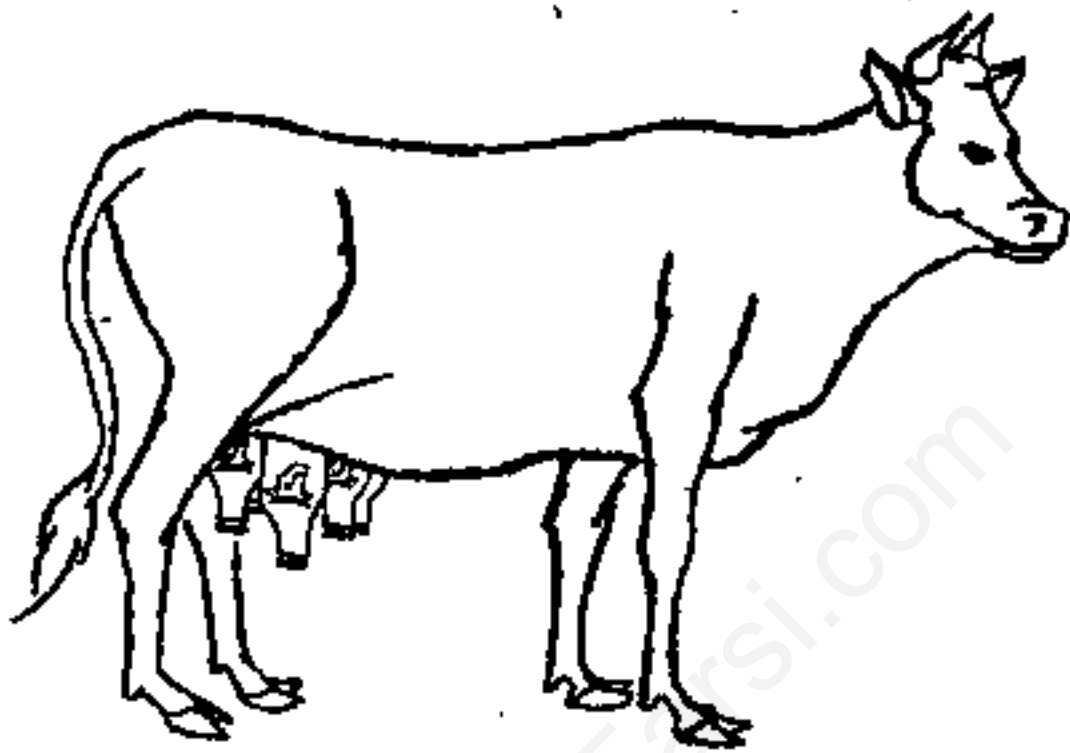


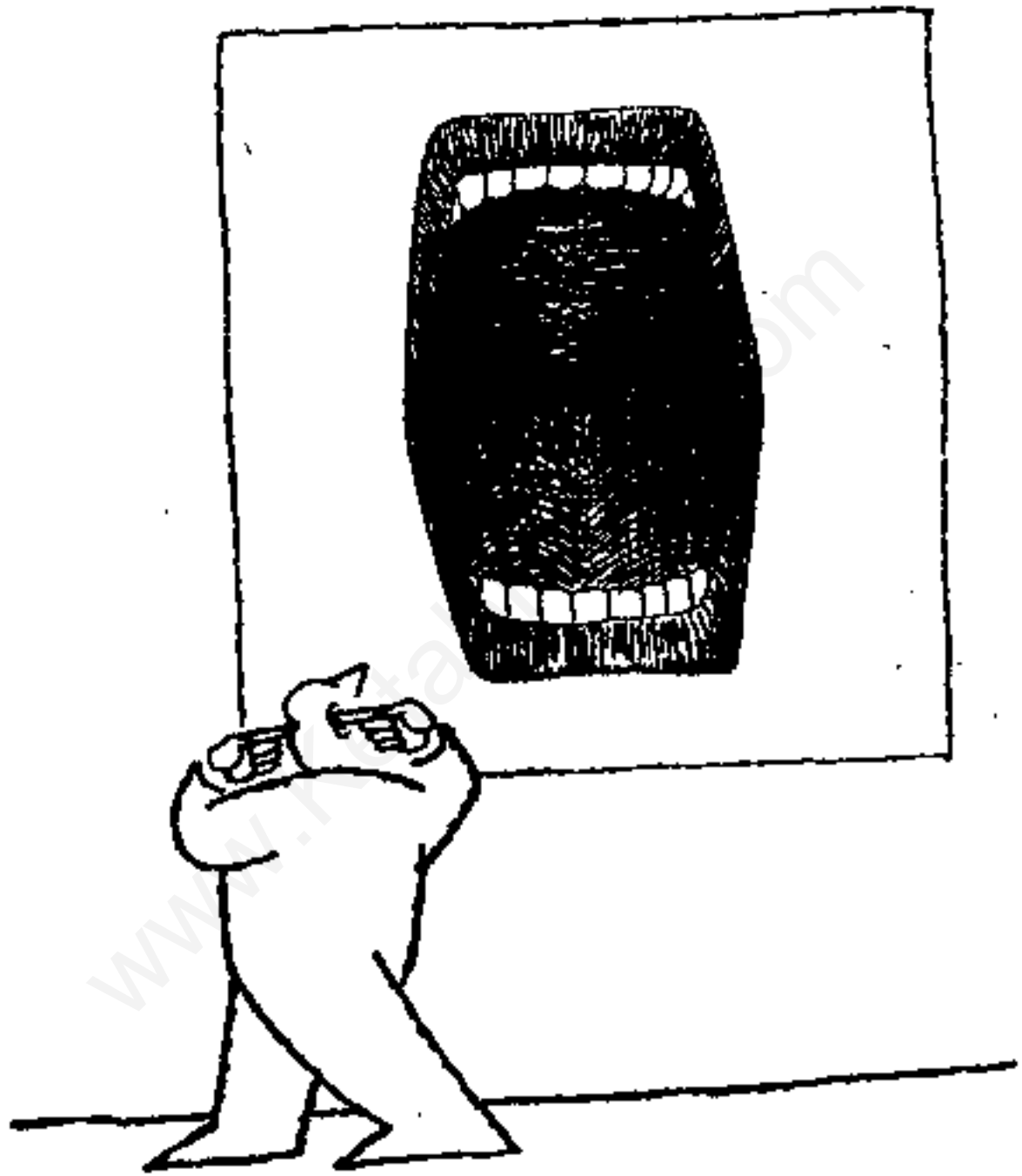


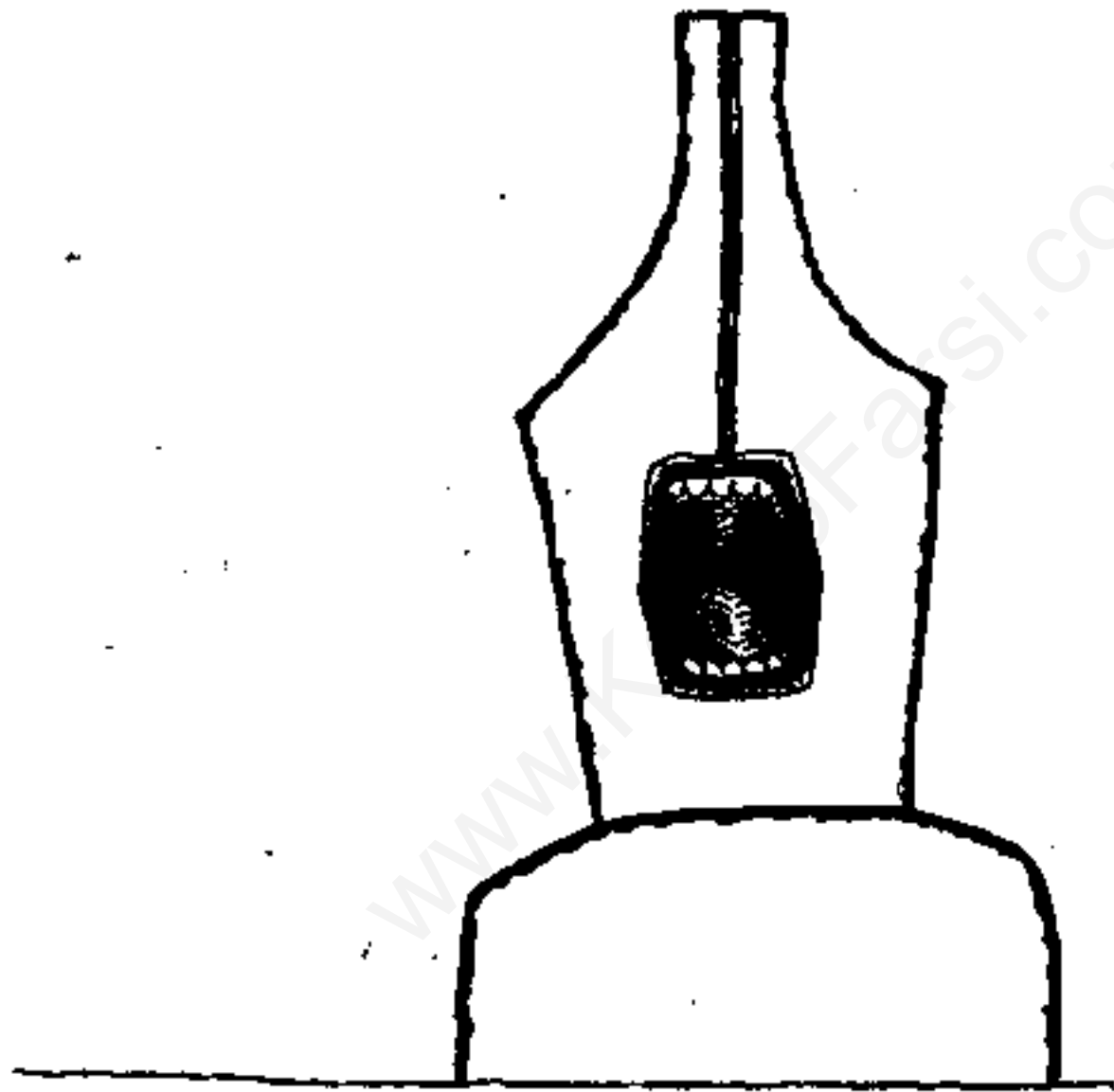


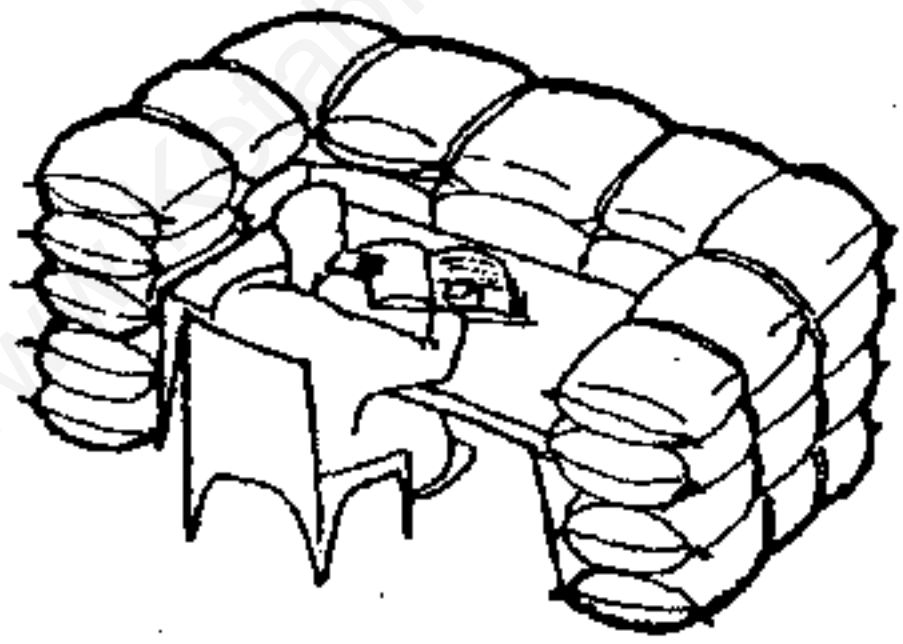
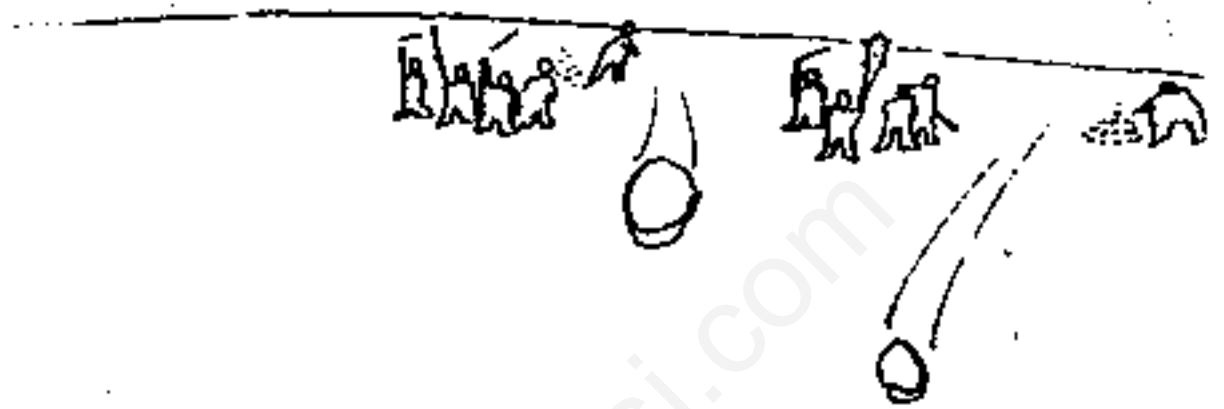




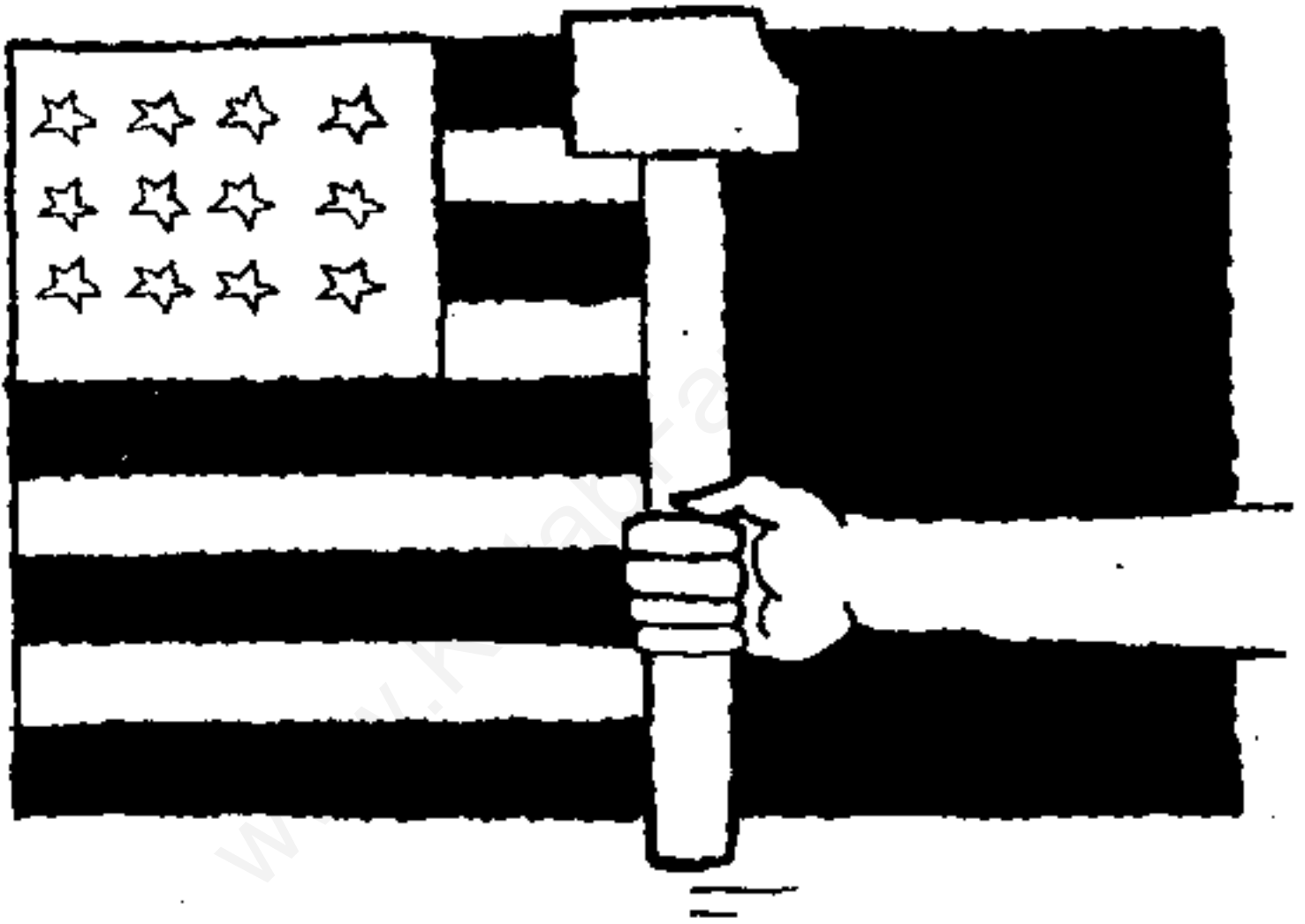












www.KetabFarsi.com

از

کاریکاتورهای

کامبیز درمبخیش